



آیت‌الله العظمی جوادی آملی در پیامی به همایش ملی «تربیت در نیروهای مسلح»

حروف جهانی دین این است اختلاف راحل کنید نه اینکه مخالف را زپای در بیاورید!

قرآن فرمود: هر کس با شما اختلاف دارد، اختلاف راحل کن!
نه اینکه مخالف را زپای در بیاورید؛
ادفع بالتی هی احسن السینة؛
فرمود: شما می‌دانید که بدی یعنی چه و می‌دانید بدی یعنی چه!
بد را زپای در بیاورید!

در مقابل هر مخالفی سعی کن که خلاف را بداری
نه مخالف را! این فکر جهانی است.
غوب هم باید بداند، اگر بخواهد تمدنانه زندگی کند
باید اختلاف خود را بدارد یا کنند؛
نه اینکه مخالف را تحریم کند، نه اینکه به مخالف فشار بیاورد،
نه اینکه مخالف را زیر پای خود کند؛ شرق هم همین طور.

من حیث جاء؛ هر جا سنگ آمد، فوراً برگردانید. این بیان نواری علی‌بن ابی طالب است. فرمود: من گش خور نباش! ملت ضعیف، ملت ذلیل و ملت تابع نباش! تاسنگ آمد، برگردان: درواز الحجر من حیث جاء؛ این یک اصل.

در جهه‌های جنگ! [اکن] انسان بخواهد، بست پهن کند و بخواهد، این طور نباشد. خدا غریق رحمت کند مرحوم آیت‌الله فاضل لنگرانی را! ما با اتفاق هم دعوتی داشتم در این حرف را بجاهی کردند. فرمود: هیچ متنی جز ملت فرمایه، ظلم را تحمل نمی‌کند. مداد است پاشید!

در جهه‌های جنگ! این طور نباشد، بست پهن کند و بخواهد، این طور نباشد. خدا غریق رحمت کند مرحوم آیت‌الله فاضل لنگرانی را! ما با اتفاق هم دعوتی داشتم در این حرف را بجاهی کردند. فرمود: هیچ متنی جز ملت فرمایه، ظلم را تحمل نمی‌کند. مداد است پاشید!

بعد فرمود: در جهه‌ها باید بخواهد: اما من نام لم بنم عنده» - این نامه‌ای است که وجود مبارک حضرت امیر

برای مردم مصروف شده برای مالک - فرمود: مالک اشتر

استاندار فدایکاری است: اما شما بخواهد، غفلت داشته

باشید و از اوضاع داخل و خارج بخیر بشید، دشمن که

بیدار است، دشمن بیدار، شما هم خواب، خب حمله

می‌کند. پس چه کار بکنیم؟ نخواهیم؟ فرمود: بخواهد اما شما

در حالی که روزه دارید، وضو که می‌گیرید، مضمونه می‌کنید،

اما آب را فرو نمی‌بریاد؛ لاذوقوا النعم إلا غراراً او مضمونه؛

خواب راه در چشمتان این کار را کنید. اگر خواب به اندازه

همین مضمونه کردن باشد، آدم فوراً بیدار می‌شود؛ این

نمایش علیّ است.

ادمه در صفحه بعد

همایش ملی «تربیت در نیروهای مسلح»
با پیام تصویری حضرت آیت‌الله جوادی آملی
و سخنرانی آیت‌الله اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه کشور
حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی صادقی
نماینده ولی‌فقیه در سپاه پاسداران انتقام اسلامی
و سردار سرلشکر باقری رئیس ستادکل نیروهای مسلح
و با حضور جمعی از مسئولان ملی و فرماندهان نظامی
۵ تیر در دانشکده شهید محلاتی قم برگزار شد.



طلب شهید محمد شادی شهری فرزند مرتب

در سال ۱۳۴۸ در شهرستان نقده از توابع استان آذربایجان غربی در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود؛ تحصیلات خود را سوم ابتدای در آن شهرستان سپری کرد و در سال ۱۳۵۸ پس از پیروزی انقلاب، به اتفاق خانواده به شهر نظر آباد مهاجرت کردند.

تحصیل در حوزه

محمد تقی در این شهر ادامه تحصیل داد و پس از سپری کردن اول دبیرستان، به شوق کسب علم و معرفت حق تعالی در حوزه علمیه امام جعفر صادق (ع) شهر هشتگرد تبت نام کرد. وی پس از پایان دوره سه‌ساله در این مدرسه، به حوزه علمیه محمد رسول الله (ع) در شهر قم عزیمت کرد و در آن مکان مقدس، مشغول تحصیل علوم دینی شد.

حضور در عرصه نبرد حق با باط

هنگامی که مشغول تحصیل بود، جنگ تحمیلی در مزه‌های میهن اسلامی به اوج خود رسیده بود و او بر خود تکلیف داشت که در جنگ این مدت با دفاع و مقاومت در

مناطق جنگی فعالیت کرده و در پست‌های مختلف این‌ای نقش نمود؛ گاهی به عنوان تیرباری‌چی و نیروی زمی و زمانی در امر تبلیغات، فعال بود و در همه حال از خادم و ارشاد جوانان و باری همنوعان و احترام به دیگران غافل نبود.

وی در جبهه پا پشت جبهه همواره انسانی فعال و مفید، در منزل بسیار مهربان و دلسوز در جامعه انسانی وارداندند و خبرخواه و در پیشگاه خداوند بندگان به سوی خداوند، همواره تلاش می‌کرد.

این طبیه شهید همواره در کلاس‌های اخلاق در حوزه شرکت کرده و در مراسم تشییع شهداء حضور می‌یافت؛ سرانجام در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۲۶ در عملیات بیت المقدس ۶ در محل تبه شیخ زندگی گاهی دارد؛ مثل جوانی که فقط تعلیمه می‌شود و تدبیر و بالندگی دارد و یک زندگی بی‌زمانه شویود؛ «استحبیوا لله ولرسول اذَا دعاكَ لِمَا حَبِيْبِكَ» یعنی این درمان کن. مرض را که با مرض معاجله نمی‌کنند، مرض را شما در کنار مادر و مانده قران کریم شنسته‌اید و قران، پیام

تجزیه‌های ناشان داده که ادم کشی به جایی نمی‌رسد. این منطق را جهانی که کید تا جهان بهمده، باکشتن به جایی نمی‌رسند، با خوبیزی به جایی نمی‌رسند. به ما فرمود: هر کس با شما اختلاف دارد، اختلاف راحل کن که اینکه مخالف را از پا دریابد، اختلاف را از پا دریابد، ادفع بالتی هی احسن السینة؛ در دیگران

دریابد، اینکه مخالف را از پا دریابد؛ بشر است: این است که داشت افسوس

این طبیه شهید در کلاس‌های اخلاق در حوزه شرکت کرده و در مراسم تشییع شهداء

حضرور می‌یافت؛ سرانجام در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۲۶ در مراسم تشییع شهداء

فرایض و ارشاد بندگان به سوی خداوند، همواره تلاش می‌کرد.

این طبیه شهید همواره در کلاس‌های اخلاق در حوزه شرکت کرده و در مراسم تشییع شهداء

حضرور می‌یافت؛ سرانجام در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۲۶ در مراسم تشییع شهداء

فرایض و ارشاد بندگان به سوی خداوند، همواره تلاش می‌کرد.

این طبیه شهید همواره در کلاس‌های اخلاق در حوزه شرکت کرده و در مراسم تشییع شهداء

حضرور می‌یافت؛ سرانجام در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۲۶ در مراسم تشییع شهداء

فرایض و ارشاد بندگان به سوی خداوند، همواره تلاش می‌کرد.

این طبیه شهید همواره در کلاس‌های اخلاق در حوزه شرکت کرده و در مراسم تشییع شهداء

حضرور می‌یافت؛ سرانجام در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۲۶ در مراسم تشییع شهداء

فرایض و ارشاد بندگان به سوی خداوند، همواره تلاش می‌کرد.

این طبیه شهید همواره در کلاس‌های اخلاق در حوزه شرکت کرده و در مراسم تشییع شهداء

حضرور می‌یافت؛ سرانجام در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۲۶ در مراسم تشییع شهداء

فرایض و ارشاد بندگان به سوی خداوند، همواره تلاش می‌کرد.

این طبیه شهید همواره در کلاس‌های اخلاق در حوزه شرکت کرده و در مراسم تشییع شهداء

حضرور می‌یافت؛ سرانجام در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۲۶ در مراسم تشییع شهداء

فرایض و ارشاد بندگان به سوی خداوند، همواره تلاش می‌کرد.

این طبیه شهید همواره در کلاس‌های اخلاق در حوزه شرکت کرده و در مراسم تشییع شهداء

حضرور می‌یافت؛ سرانجام در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۲۶ در مراسم تشییع شهداء

فرایض و ارشاد بندگان به سوی خداوند، همواره تلاش می‌کرد.



RNA

حضور قلب سبیش همت آدمی است؛ زیرا قلب، تابع همت باشد، حضور قلب در نماز حاضر خواهد بود و اگر همتت در بی چیز دیگر بوده است، قلب هم غافل از نماز و نزد آن چیز خواهد بود؛ چون خداوند برای هیچ کس دو قلب قرار نداده است و برای احصار قلب نزد نماز، جز اینکه همتت را متوجه نماز سازی راه دیگری نیست.

کتاب حضور قلب در نماز؛ علی اصغر عزیزی تهرانی

إِذَا اسْتَثْبَلَتِ الْقَيْنَةَ فَأَنْسَ اللُّطْيَا وَمَا فِيهَا وَالْخَلْقَ وَمَا هُمْ فِيهِ وَاسْتَغْرَقَ قَلْبَكَ عَنِ اللَّهِ وَعَانِ
بِسْرَتْ عَظَمَةَ اللَّهِ...
هندگانی که به قصد نماز به جانب قبله ایستادی، دنیا و آن چه در آن است و مردم و احوال آنها را فراموش کن.
قلبت را از هر شاغلی که تو را از یاد خدا بازی مدارد، فارغ ساز، با چشم باطن، عظمت و جلال خدا را مشاهده کن.
میساج الشریعه، ص: ۹۱

عطای ریار

ای تکسوار جاده‌های رو به فردا

علی اکبر لطیفیان

من گریه می‌ریزم به پای جاده‌ات، تا آینه‌کاری کرده باشم مقدمت! اول ضمیر غائب مفرد کجای؟ ای پاسخ آینه‌های پرمغما بی تو سرویدم آنچه باید می‌رسودیم یعنی درآوردم باید غل! احتقان بی چون و چرا سبز برگدا راحت شویم از دست اما و اگرها آب و هوای خیمه‌ی سبز چگونه است؟ اینجا گهی سرد است و گاهی نیست گمرا بهر ظهور امروز هم روز بدی نیست ای تکسوار جاده‌های رو به فردا! آقا! صدای پای سبز مرکب توست تنها جواب این همه «من آید آی؟» یک جمیعه می‌بینید، نگاه شرق. من خورشید بیدا می‌شود از غروب دنیا آقا نماز جمیعه‌ی این هفته را تو پای برجهنده آمدن تاکوفه با!



قرآن کریم در سوره مبارکه انسان، جلوه‌ای از ایثار خالصانه اهل بیت ع را به نمایش گذاشته است. در آیه‌ای از سوره انسان می‌فرماید: «وَيَطْعَمُونَ الطَّعَمَ عَلَى حِلْمٍ مُكَبِّنِيَا وَيَتَمَّمُ أَسِيرًا، إِنَّمَا تَعْمَلُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا تُرِيدُنَّ حِلْمًا وَلَا شَكُورًا»^۱. ماجر آن است که حضرت زهرا ع و اهل خانه در شما نمی‌پینم. حضرت فرمودن: آری، سفری که تو پنداشتی، مقصوص نبود؛ بلکه مردم، سفر مگ بود و برای آن سفر، خود را آماده می‌کنم. آماده شدن برای سفر مگ، به مکانی امن می‌برم. عرض کرد: اجازه دهید کردام و شما را حمل کنند؛ ولی حضرت خودداری کردند. گفت: پس پکارید، من خودم آن را حمل کنم. باز هم قبول نکردند و فرمودند: نه، این کار مخصوص خود من است، مرا رها کن و برو آن شخص می‌کوید: امام ع را که کرد و در شما را حمل کنند؛ این بار چیزی که ایمان را دیدم و گفت: اثری از مسافت پنداشتی، مخصوص نبود؛ بلکه مردم، سفر مگ بود و برای آن سفر، خود را آماده می‌کنم. آماده شدن برای سفر مگ، به این است که انسان از حرم احتماب کند و به خیرات و پخشش مال و نیکوکاری اهمیت بدهد.^۲

روش همه اهل بیت ع چنین بوده است که در دل شب و مخفیانه به نیازمندان کمک می‌کردند. حتی

از کمک به مخالفان و غیرشیعیان نیز درین نداشتی اند و بدن باینکه خود آن افراد به نهادند. از جنگ کسی کمک گرفته‌اند.

در حالات امام سجاد ع از زبان فرزندشان امام باقر ع می‌خوانیم که ایمان شب‌ها و در تاریکی از خانه خارج می‌شدند. اینانی از دنیا و درهم یا کیسه‌هایی حاوی خوارکی یا همراه برش خود حمل می‌کردند. وقتی به در خانه‌ای می‌رسیدند، آن را مکوبیدند و به هر که از آن بیرون می‌امافت چیزی می‌دادند. آن حضرت هنگام کمک به فقاری روی خود را می‌پوشاند تا شناخته شوند.

بعد از رحلت ایشان، آن نیازمندان از کمک‌های ایمانی بودند. این نیازمندان از ایمانی بودند.

مقدمه: از نظر علمای اسلام اخلاق، فضیلت خلوص، زیربنای است:

اگر در اعمال باشد، ذره، دریا و کاه، کوه می‌شود و اگر نباشد، دریا، ذره و کاه، کوه می‌شود.

تحصیل فضیلت خلوص تا رسیدن به جایگاهی که خلوص

به اعمال بخورد و گفتار و کدران انسان صدرصد خدای شود، مشکل است.

از آن مشکل تر، آن است که خلوص به دل بخورد و ما موحد شویم و خلوص به خود ما بخورد

و ما اهل عالم ملکوت شویم، به قول قرآن رک خدا پیدا کیم.

آیت الله العظمی مظاہری در ادامه سلسله مباحث اخلاقی خود پیرامون فضیلت‌های فراموش شده در جامعه، به نکته مهم اخلاقی و اجتماعی در باره آداب اسلامی

کمک به همنوعان، جوانمردی و اخلاص در کارها اشاره نموده‌اند که در ادامه می‌خواهید.

دین را چه کسانی تکذیب می‌کنند؟

سوره ماعون، آیات پرمختوا دروس اموزی دارد. استاد

بزرگوار ما آیت‌الله‌عظمی بروجردی ع مژ مخلص و از

عرفان و اخلاق، اهمیت فراوانی داشته است. می‌فرماید: «بسم الله الرحمن الرحيم».

مراجع پرکار تنشیب بود؛ خداوند به ایشان توفیق داد و برا

عالی تشییع خیلی کار کرد. من مدت هشت سال که در

دریشان شرکت می‌کردم، غیر از خلوص و تقوا ایشان را می‌کردم. فذلک الذي يدعى ایشان

چیزی نماید؛ اما مرد بزرگ یتیمان خود را می‌کرد.

بایشان گفتند: آقا الحمد لله خدمات فراوانی داشتند و

با دست پر رویا. ایشان بالاصله روایتی را خواندند و

بسیار گریه کردند که همه ما ماید به آن توجه کردند.

کفتند: «أخلاص العمل فإن الناقد بصير»؛ عمل را خالص

کن؛ زیرا آنکه مراقب توست، خیلی بیناست. به قول علام،

مورا زماست می‌کشد. این مرد بزرگ با این همه خدماتش

و با این همه اعتقادات کاملش، دم مرگ ناراحت است

که نکن، اعمالش رنگ خدا داشته باشد! می‌ترسد که

نکن، در دل او غیر از خدا چیز دیگری هم باشد.

همین جمله ایشان یک پند و پیام برای ماست. نه فقط

برای طبله‌ها؛ بلکه برای همه درس بزرگی است. دل ما

در دریان داشته باشد و این در روی همه بسته باشد.

و فقط برای خدا باز است. دل ما خانه خداست، نه مثل

مسجد و مکه؛ بلکه بالآخر از اینهاست؛ دل مؤمن، عرض

خداست: «أن قلب المؤمن عرش الرحمن».

بنی‌تفاقوت اجتماعی و تبعاتش

بعد دسته دوم را تعیین می‌کنند: «ولايحس على

طعام المسكين»؛ آن ملئی که به فکر یکدیگر نباشند و

کن؛ زیرا آنکه مراقب توست، خیلی بیناست. به قول علام،

مورا زماست می‌کشد. این مرد بزرگ با این همه خدماتش

و با این همه اعتقادات کاملش، دم مرگ ناراحت است

که نکن، اعمالش رنگ خدا داشته باشد! می‌ترسد که

نکن، در دل او غیر از خدا چیز دیگری هم باشد.

همین جمله ایشان یک پند و پیام برای ماست. نه فقط

برای طبله‌ها؛ بلکه برای همه درس بزرگی است. دل ما

در دریان داشته باشد و این در روی همه بسته باشد.

و فقط برای خدا باز است. دل ما خانه خداست، نه مثل

مسجد و مکه؛ بلکه بالآخر از اینهاست؛ دل مؤمن، عرض

خداست: «أن قلب المؤمن عرش الرحمن».

سپریست حوزه‌های علمیه خواهان: اربعین تبدیل به یک نظام واره در دین شود

خانم مینو اصلاحی، زیبی کمیته بانوان سعاد فرهنگی اربعین با حضور در

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهان با تأکید بر اینکه اربعین با حضور اسلام و المسلمين مجتبی

فضائل، سپریست این نهاد حوزه‌ی دیدار و کفت و گوکرد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، حجت الاسلام و المسلمين مجتبی فاضل در این

دیدار با ایشان اینکه اربعین طوفانی سیار هم جهت ایجاد وحدت با محوریت

امام حسین ع است، افروز: اربعین باید تبدیل به یک نظام واره در دین شود تا

استفاده شود تا آثار و بركات اربعین حسینی برهمگان روشن گردد.

حجت الاسلام و المسلمين فاضل با اشاره به ضرورت همکاری مبلغان

خواهان با ستاد فرهنگی اربعین حسینی، افروز: یک از فعالیت‌های مهم